

جایزه ای برای صلح با اسلام سیاسی

اپوزیسیون راست نیز در وضعیت نامناسبی قرار گرفته بود، مردم برای "اصلاحات" تره هم خرد نمیکند، "فراندوم" نقطه امید راست مالیده است، کمونیسم و جنبش سرنگونی طلبی دارند جلو صحنه میروند. این شرایط دخالت جدی غرب به نفع راست و دمیدن روح جدیدی در کالبد اپوزیسیون راست را در قالب عامه پسند ادامه "اصلاحات" در خارج حکومت ضروری ساخت. بویژه عدم موفقیت راست در مهار مردم نیز به نوبه خود راه را برای اتحاد راست زیر پرچم جدیدی باز کرده بود. پروژه شیرین عبادی در متن چنین تحولاتی توسط دول غرب علم شد تا بخورد مردم سرنگونی طلب داده شود. اینکه شیرین عبادی چه از آب در آمد یا مشابه آن در آینده چه از آب

علتش هم روشن بود، پروژه اصلاح رژیم از درون شکست خورد، خود گردانندگان این پروژه مرگ آن را علنا اعلام کردند، بویژه رویدادهای ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر نیز ناتوانی اردوی راست را در کنترل مردم آشکار کرد. کشتی "فراندوم" که اردوی پراکنده و متشتت راست بادیان امید خود را بدان بسته بود، با عبور مردم از جمهوری اسلامی و طوفان مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری، غرق شد. این حقایق، دول غرب را ناچار از توجه جدی تری به آینده ایران و همچنین به وضعیت پراکنده و نامناسب اردوی راست نیز وادار کرد. نه تنها جمهوری اسلامی، همراه آن

میان ما و اپوزیسیون راست جامعه در جدال بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی و آینده تحولات سیاسی در ایران، منجر شد. دول غرب برای اولین بار جمهوری اسلامی را دور زدند و در خارج از آن فکر آترناتیو سازی و علم کردن شخصیت‌هایی افتادند تا از این طریق کنترل اوضاع را در تحولات سیاسی عمیقی که ایران از سر میگذراند، در دست گیرند. سابقا هرچه بود، چه سیاست "دیالوگ انتقادی" چه حمایت و پشتیبانی از پروژه خاتمی و دوم خرداد در چهار چوب جمهوری اسلامی تعقیب میشد، این بار دول غرب ناچار در خارج جمهوری اسلامی فکر کنترل اوضاع افتادند.



حسین مرادبیگی



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.
منصور حکمت

صفحه ۲

مصاحبه ایسکرا با آزاده راشد از رهبران و فعالین جنبش آزادی زن در ایران
صفحه ۳

اطلاعیه کمیته تشکیلات کل کشور: به فعالین و دوستان حزب کمونیست کارگری ایران در کنگره ۴ حزب فعالانه دخالت کنید!
صفحه ۴

۱۶ آذر در تهران و دانشگاه های کشور زنده باد آزادی، زنده باد برابری زندانی سیاسی آزاد باید گردد مرگ بر جمهوری اسلامی حزب کمونیست کارگری ایران

ایسکرای ویژه بزودی منتشر میشود
شماره ویژه ایسکرا به یک نوشته سیاسی و تاریخی مهمی از منصور حکمت اختصاص پیدا میکند که برای اولین بار اخیرا توسط سایت بنیاد منصور حکمت منتشر شده است. نوشته "ملاحظات بر سند جمع‌بندی از بحث ارزیابی ۵ ماهه جنگ ما و حزب دمکرات" نقیصت بر سندی از کمیته مرکزی وقت کومله در تحلیل و ارزیابی ۵ ماهه جنگ حزب دمکرات و کومله. این نوشته نگرش منصور حکمت را در نقد و تمایز با نگرش ناسیونالیستی در برخورد به جنگ حزب دمکرات و کومله را نشان میدهد. منصور حکمت در این نوشته ضمن پافشاری بر حقانیت کومله در پاسخ گویی به تعرض نظامی حزب دمکرات با درکی عمیق و مسئولانه سیاست فرعی کردن و نهایتا پایان دادن به این جنگ را ترسیم میکند. شما را به مطالعه این سند باارزش و ضمام آن در ایسکرای ویژه که به زودی منتشر میشود جلب میکنیم.

تونل فرار فدرالیسم قومی نمایندگان "کرد" مجلس اسلامی



عبدالله شریفی

هفته گذشته جلال جلالی زاده "نماینده" سنندج در مجلس اسلامی در سخنان پیش از دستور از دولت اسلامی خواست تا از طریق فدرالیته کردن قومی ایران،
صفحه ۲

ایسکرا
iraj_farzad@yahoo.com
سردبیر: ایرج فرزاد
فکس: 00448701687574
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
چهارشنبه‌ها منتشر میشود

رادیو اترناسیونال
۴۱ متر- ۷۴۹۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران
به دیگران اطلاع دهید
radio7520@yahoo.com
رادیو اترناسیونال روی اینترنت: www.radio-international.org
مدیر رادیو اترناسیونال: سیاوش دانشور

جایزه ای برای صلح با اسلام سیاسی

(ادامه از صفحه ۱)

در خواهد آمد، تغییری در ماهیت دخالت این دوره دول غرب در تحولات سیاسی ایران برای کنترل پروسه رفتن جمهوری اسلامی نخواهد داد. این کار همچنان ادامه خواهد یافت.

عکس العمل راست اما در مقابل این اقدام دول غرب همانطور که از آنها انتظار میرفت، مضحک و در عین حال تماشایی بود. کل اپوزیسیون راست همراه بخش زیادی از نیروی درون رژیم آن بسرعت دور پرچم جدید حلقه زد. صف بندی سابق این اردوگاه در عرض چند ساعت بسرعت خیره کننده ای بهم خورد، ائتلاف بزرگی از احزاب و نیروهای راست بسرعت پشت آن شکل گرفت، اختلافات و خرده حسابهای قدیمی موقتا کنار گذاشته شدند، "شاه و شیخ" در گوش هم نجوا کردند، رضا پهلوی و مجاهدین، بنی صدر و حزب دمکرات، راه کارگر و طیف موسوم به جمهوریخواهان و بخش وسیعی از "اصلاح طلبان" درون رژیم اسلامی در کنار هم قرار گرفتند. کارچاق کن های سیاسی و دلقکهای سیاسی همراه آنان بار دیگر دست بدست هم دادند تا این بار نیز با مضحکه جدیدی یک دوره دیگر مردم سرنگونی طلب را سر بدوانند. در میان اینها وضع ناسیونالیسم پرو غرب باصطلاح سظنت طلبان از دیگر نیروهای راست اسفناک تر بود. رضا پهلوی یک بار دیگر خود را در تنگنا دید. شکستی که اینها در مقابل جنبش سرنگونی و کمونیسم کارگری در جریان رویدادهای خرداد و تیرماه خورده بودند اینجا بیبار نشست. این باضافه مشکل اعاده سظنت که چون وزنه ای پبیای راست پرو غرب پیچیده است، بعلاوه شکست هیاهوی آنها در کشاندن دولت آمریکا برای حمله به ایران که امید خود را بدان بسته بودند، آنان را از قبول خفت و خواری دیگری و راه افتادن بدنبال کسانی که قرار بود نیروی پشت سرشان باشند ناچار کرد. تلاش آنها برای اینکه تحت نام ایرانی بودن، شیرین عبادی را به کیسه خود بریزند، نتوانست وضعیعت وخیم آنان را از انظار مخفی کند.

در قطب مقابل اینها، حزب کمونیست کارگری بعنوان پرچمدار کمونیسم و جنبش سرنگونی طلبی

و اتحادهای اردوی راست زیر نام شخصیتها و پرچمهای دیگری سریعاً اوج میگردد. باید هوشیار بود و مرتب آنان را زیر نورافکن گرفت. تجربه این دوره یک بار دیگر به مردم سرنگونی طلب نشان داد که راه مقابله با قیچی کردن حرکت مردم از پائین و برای سرنگونی جمهوری اسلامی تنها از گفتن نه قاطع و بدون اما و اگر ما به جمهوری اسلامی و به هر آلترناتیو نیم بندی میگردد که اینها و دول غرب بخواهند با رفتن جمهوری اسلامی به مردم ایران تحمیل کنند. دور اکنون دور کمونیسم کارگری و توده مردم سرنگونی طلب است. توده کارگر و دیگر مردم سرنگونی طلب در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به یک دنیای بهتر حزب کمونیست کارگری را در پیشاپیش خود دارند، به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید تا دست در دست هم این مبارزه را بسرانجام برسانیم. ۷ نوامبر ۲۰۰۳

تونل فرار...

مساله کرد را حل کنند. فکاهی تر این است که چند روز قبل از آن جمع فراکسیون کردهای مجلس اسلامی در نامه ای به خاتمی و سایر سران رژیم اسلامی خواسته بودند که پول بیت المال صرف گلوله برای کشتن مردم کردستان نشود!!!

سوال این است که جایگاه این دلقک بازی مجلس نشینان اسلامی، امثال بها ادب و جلالی زاده، در متن اوضاع سیاسی کنونی ایران و کردستان چیست؟ معانی زمینی همسازی حضرات فدرالیست عتیق از برادران مهدتی تا خادمان اسلامی مجلس کدامند؟ و...

برای عموم مردم کردستان روشن است که مجلس اسلامی و "نمایندگان محترم" مجلس، خود بخشی از دستگاه کشتار و نظام جهانی اسلامیند. مردم نفرت و انزجار خود را علیه تمام این سیستم مافیایی و کانگستری اسلامی، روزانه و علنی نمایش میدهند. به موازات این وضع، تحركات شکست خورده جنابان مهدتی برای ایجاد جبهه کردستانی هم بر کسی پوشیده نیست. پروژه جبهه کردستانی، حتی نزد حزب دمکرات هم خریدار نداشت. دستشان نزد این حزب هم رو شد.

حزب دمکرات با اکراه، نقش رابط بودن صلاح مهدتی را برای مذاکره پنهانی رد کرد. این قاصد ناکام سر شکسته ماند، اما مردم ماهیت این تحركات را تجربه کردند. واقعیت سر سخت کنونی اوضاع سیاسی جامعه ایران و کردستان این است که هیچ پروژه ای نمیتواند ترمز حرکت مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی شود. سخنان جلالی زاده و رفت و آمد فراکسیون کرد مجلس اسلامی، ناچیزتر از آن است که برای جمهوری اسلامی مایه ای شود. به حکم توازن قوای جبهه مردم در مقابل رژیم اسلامی، این تلاش از هم اکنون چیزی جز شکست نیست. مردم کردستان همگام با مردم ایران، مشغول به اجرا در آوردن کارهای مهم و تاریخی هستند. بر بستر مبارزات جاری مردم ایران، کسی برای این نوع دستورات عملهای دولتیان و یارانیشان تره خورد نمی کند.

فدرالیسم قومی ارتجاعیترین نسخه ممکن برای گرفتن کارت ورود به سناریوی سیاه و فلاکتباری است که امروز متاسفانه در عراق جاری است. این نسخه تفرقه و کشتار مردم ایران است. مردم به پا خاسته ایران و کردستان دارند بر عکس، کار دیگری میکنند. دارند جمهوری اسلامی را جارو میکنند. دارند متحدانه برای زندگی آزاد و مرفه تلاش میکنند. این مردم را تنها در شرایط سیاه و سرکوب میشود سیاهی لشکر این گونه طرحها کرد. معماران و طراحان این گونه نقشه ها از صلاح مهدتی و اخوی تا بها ادب و حجابیان خوب میدانند که در میان مردم چقدر بی مایه و سبک هستند. میدانند که در فضای سیاسی جامعه ایران، کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و سایر اقشار مردم جان به لب رسیده، روزانه مساله برچیدن نظام اسلامی را روشن و قاطع به خیابانها کشانده اند. این نوع انگل ها امکان تنفس در چنین اتمسفری را ندارند. میدانند که جامعه ایران و همراه آن جامعه کردستان در تب و تاب تحولات بنیادی میسوزد. طرح فدرالیسم قومی، از جانب این حضرات، در متن این اوضاع سیاسی دارد به این بی مایگی و وحشت جواب میدهد.

این ابداع نیست، این ابتذال است. این بازی مسخره ملتها است در جریان است. بخش "گردی" رادیو آمریکا قبلاً صحنه خوش و بش شخصیتهای این نوع برنامه ها شده بود. همگان مغازه بها ادب

و عمر ایلخانی زاده را، چند ماه قبل در این رادیو بیاد دارند. فدرالیست شدن امثال جلالی زاده تصادفی نیست. برنامه آشکار و پنهان قابل داد و ستد کردن فدرالیسم قومی، مدتها است تاراک دیده میشود.

نمایندگان "گرد" مجلس اسلامی، خوب میدانند که نظامشان دارد میروند. اینها وردست همان جنایتکارانی هستند که مردم کردستان را قتل عام کردند. اینها مدافعین حاضر دستگاه انسان کشی اسلامی هستند که با ۳۰ خرداد ۶۰ و تابستان خوزین ۶۷، با شکنجه و حلق آویز کردن آزادیخواهان، با سنگسار و فقر و گرسنه نگه داشتن مردم، ۲۵ سال است، سایه شوم خود را بر جامعه ایران گسترانیده است. هنوز هم به دستور همین جانیان، مردم اعدام میشوند، هنوز هم زندانها پر است. بی حقوقی و فقر و اعتیاد و فحشا بیداد میکند. فراکسیون کردهای مجلس، خود در درون قلعه محاصره شده، هستند. با این نوع کارها دارند اوضاع ناسامان درون قلعه را بیان میکنند. از سر استیصال دارند وحشت خود را بروز میدهند. اینها خود بخشی از تلفات شکست دو خرداد همین نظام هستند. اینها صدای مردم ایران را از پنجره مجلس شنیده اند. زنده های کنده شده مجلس را توسط کارگران دیده اند. اینها ناکامی عبور مردم از مسخره بازی رفتارند و جایزه نوبل را مزه کرده اند. باید هم ناچار باشند، جنایت سرانشان را در کردستان، در حضور مردم اعتراف کنند. با زبان خودشان دارند میگویند خادمان چه دستگاه کثیفی هستند. زور آخرشان را میزنند تا بلکه اسلام عزیزشان را آمریکایی کنند، فدرالی کنند و حقوق بشری کنند تا بلکه در آینده سیاسی ایران جایی داشته باشند. در فکر اینند که تلفاتشان را کم کنند. نزد یاران خارج از حکومت خود سرپناهی گدایی کنند. اما این چوب دو سر طلایی، تنها نزد سازمان بازسازی شده از لجنزار نفرت و کینه قومی یعنی سازمان زحمتکشان خریدار دارد. حتی بعید به نظر میاید که حزب دمکرات به این ادا و اطوارها در شرایط سیاسی حاضر دل خوش کند.

فدرالیسم قومی چه با روایت باند مهدتی و چه با روایت یارانانشان در مجلس اسلامی، پدیده ای منفور و تجربه شده است که



مصاحبه ایسکرا با آزاده راشد از رهبران و فعالین جنبش آزادی زن در ایران

ایسکرا: شما که خود مستقیماً در امر جنبش زنان فعال و دخیل هستید در یک نگاه عمومی این جنبش را چگونه ارزیابی میکنید؟ و به طور مشخص در کردستان این جنبش از چه موقعیتی برخوردار است؟

آزاده راشد: همانطور که میدانید، جمهوری اسلامی بنای حکومتش را از ابتدا بر ضدیت با حقوق و آزادیهای زنان پایه ریزی کرده است. با اجباری کردن پوشش و حجاب، جدا کردن زنان از مردان، محدودیت در روابط و انتخاب آزاد بین دختر و پسر و زن و مرد، اعمال قوانین اسلامی و شرعی اساساً ضد زن و... از همان ابتدا عملاً نیمی از جامعه را رویاروی خود قرار داده است. رژیم در کنار این شقاوتها و بی حرمتی ها، فرهنگ مردسالار و سنتی را نیز پرو بال بیشتری داد تا بدینوسیله نیز زنان را مطیع و ساکت و در خانه نگه دارد. اما علیرغم تمام محدودیتهای موجود زنان و دختران آزادیخواه در مصاف با نابرابری و بی حقوقی و عقب ماندگی و ارتجاع، از هر فرصتی برای ابراز مخالفت و سرپیچی از قید و بندهای اخلاقی و فرهنگی

و قانونی استفاده کرده اند. بخصوص در چند سال اخیر مشخصاً یک جنبش رادیکال و معترض را نمایندگی کرده اند. نمونه روشن مبارزات زنان در خرداد و تیرماه گذشته بود که با سوزاندن حجاب همگام با اعتراضات دانشجویان حضور موثر خود را در صحنه مبارزه برای سرنگونی رژیم نشان دادند و به عنوان یک پای اصلی جنبش سرنگونی طلبی ترس و واژه فزاینده ای را در دل رژیم ایجاد کرده است. جنبش زنان در ایران دامنه وسیع و سراسری دارد و از همان آغاز سیاسی بوده است، چرا که مخالفت با حجاب و جدا سازها مخالفت با اساس ایدئولوژی اسلامی رژیم است. و از این لحاظ با جنبشهای صنفی و مطالبات رفاهی و غیره متفاوت است. این جنبش اگرچه هنوز دارای انسجام کافی و رهبری سراسری نیست اما یقیناً به دلیل اهداف و خواستههای مشترک و واضح و صف میلیونی زنان و دخترانی که نصف جامعه را تشکیل میدهند، وزنه سنگین و مهمی در جنبش سرنگونی و برای آزادی و رهایی است. در مورد کردستان هم این امر

صادق است. چرا که زنان در همه جای ایران از بی حقوقی و نابرابری در رنجند. بخصوص در کردستان باید فشار بیشتر مردسالاری در سنت ناسیونالیسم کرد و در مواردی عشیره‌ای را بر بی حقوقیهای رسمی و قانونی دیگر افزود. به عقیده من جنبش اعتراضی و رادیکال در میان زنان کردستان را میتوان با تهران و هر شهر دیگری مقایسه کرد. برای مثال همایشی که اخیراً در شهر سنندج برگزار شده است، به نام "خشونت علیه زنان"، با طرح خواستههای رادیکال و امضای یک طومار اعتراضی نشان از ظهور آشکارتر جنبش رادیکال زنان در این منطقه دارد. در برابر این همایش حتی ناسیونالیستهای کرد و ۲ خردادها و غیره سرفرود آورده و به تعریف و تمجید از آن پرداختند. همین نمونه نشان میدهد که زنان و دختران آگاه خود سبک و سنگین میکنند و نمایندگان واقعی خود را از میان آنهایی انتخاب میکنند که رادیکال، شفاف و صریحترند و به دور آنها جمع میشوند.

ایسکرا: جنبشی با آن وسعت و گستردگی که شما نام میرید با آن مطالبات روشن و سراسری و عمومی که رژیم را به وحشت انداخته است در حال حاضر چقدر به تشکل یابی نزدیک شده و رهبران رادیکال مبارزه و اعتراض خود را پرورش داده است؟

آزاده راشد: اتفاقاً یکی از مشکلات جنبش سراسری و عمومی زنان علیه بی حقوقیشان همین مسئله است. نفرت، ناراضی و اعتراض زنان و دختران به همان روزهای اول سرکار آمدن رژیم اسلامی برمیگردد. حتی اعتراض و تظاهرات خیابانی زنان علیه دخالت مذهب در زندگی زنان و در پوشش و روابط آنها از سال ۵۸ شروع شد. اکنون در این عرصه ما شاهد تحركات متعددی از جانب گرایشهای مختلف در جامعه هستیم. برای مثال یک وقتی ۲ خردادها با استفاده از همین ناراضیهای زنان از بی حقوقیشان و با استفاده از رأی آنان خاتمی را سر کار آوردند. پس از آن شاخه های مختلف اصلاح طلب در داخل حکومت، در مجلس و در اپوزسیون گاه و بیگاه از حقوق زنان دم زده اند. فمینیستها هم به شیوه خود به بی حقوقی زنان اعتراض میکنند و حتی ناسیونالیسم کرد هم گاهی

به مسایل زنان نوک میزند. اما به نظر من تا کنون هیچکدام نتوانسته اند صاحب و رهبر و نماینده جنبش واقعی زنان برای آزادی و رهایی از آپارتاید جنسی و لغو حجاب و رهایی فرهنگی دختران و پسران جوان و منع دخالت مذهب در زندگی مردم باشند. زنان، این جمعیت نصف جامعه، با چشمان خود دیده اند که در جریان بیش از دو دهه تجربه مبارزه خودشان، بازی گرایشهای مختلف در درون و بیرون حاکمیت و در مجلس برای بهبود این زندگی حقارت بار کارساز نبوده است. نه نمایندگان زن مجلس اسلامی با تلاش برای برابر سازی حق دیه، ایجاد اصلاحاتی در صیغه و حق طلاق، توانسته اند بهبودی در این زندگی حقارت بار زنان بوجود آورند و نه شیرین عبادی یا آستانبوسی فقها و آشتی دادن حقوق زن با شرع اسلامش، کاری از پیش برده است. بنابراین بسیار طبیعی و قابل انتظار است که این ناراضی و نفرت زنان از اسلام و شریعت و آپارتاید جنسی، جواب خود را از کسانی بگیرد که سراسر است و بی اما و اگر خواهان لغو این شرایط فلاکت بار هستند. لذا فعالین، رهبران و صاحبان این جنبش کسانی اند که در خیابانها حجاب را لگد مال کرده و میسوزانند، و یا برای نمونه در آئین سنندج چادر را فرش راه کرده و از رویش گذشتند و یا کسانی که اجتماعات ۸ مارس و همایش سنندج و دیگر تجمعات و تحركات از این قبیل را تشکیل میدهند. و نیز از جمله کسانی که پرچم آزادی زن را برافراشته و به چیزی کمتر از برابری کامل زن و مرد رضایت نمیدهند. بنابراین در دل این جنبش عظیم اجتماعی نطفه های آزادیخواهی و برابری طلبی از همان آغاز بسته شده، روشهای رادیکال مبارزه اینجا و آنجا انتخاب گردیده و رهبران و نهادهای اجتماعی زنان سربرآورده اند. به این لحاظ میتوانیم بگوییم که جنبش زنان به تحقق نوعی از سازمانیابی و دسترسی به رهبران و مبارزه رادیکالشان بسیار نزدیک شده است.

ایسکرا: در کشوری که رژیم و قوانینش به شدت ضد زن است و اساساً یکی از پایه های ایدئولوژیک اسلامیش آپارتاید جنسی و خشونت علیه زنان است و از طرف دیگر مردسالاری و

ارتجاع فشار مضاعفی را بر زنان وارد میآورد، آیا فمینیسم پاسخی به این شرایط در ایران است؟

آزاده راشد: به نظر من خیر. فمینیسم و جریانات فمینیستی امروزه پاسخ معضلاتی که گریبانگیر زنان در جامعه است، نیست. این جریان اساساً به ساختار حکومت و قوانین حاکم کاری ندارد. اینها مشکلات زنان را ناشی از مرد سالاری و فرهنگ حاکم بر جامعه میدانند. در میان زنان و جوانان علی‌العموم شناخته شده نیستند. از نظر اینها اولویت برآگاه سازی خود زنان است. روشن است که حتی این اندازه از فعالیت هم مخاطبین محدودی را در بر میگیرد و برای اکثریت زنان جامعه قابل دسترسی نیست. آنان به مناسبتهای مختلف در صورت داشتن مجوز اقدام به برگزاری تجمعهایی میکنند که این از نکات مثبت فعالیتهای آنان در مقایسه با سایر تشکلهای ۲ خردادی و اصلاح طلب است. امامهم این است که در شرایط بحرانی فعلی آنان به مشکلات روزمره زنان و دختران و جوانان بطور کلی بی توجهند، از جمله نسبت به حجاب اجباری، آپارتاید جنسی و سایر بیحقوقیهای زنان موضع قاطع و حتی مشخصی ندارند، و همانطور که گفتیم راه مبارزه با مردسالاری و خشونت علیه زنان را روشنگری خود زنان میدانند نه مبارزه علیه قوانین حاکم. در یک کلام، آنها مشکلات موجود را زنانه، مردانه توصیف و در نظر نمیگیرند.

ایسکرا: در مورد بخش رادیکال جنبش زنان بیشتر توضیح دهید. این بخش بلحاظ شیوه های مبارزه، نمود اجتماعی، و نقش و جایگاهش در راه آزادی زن از چه جایگاهی برخوردار است؟

آزاده راشد: جواب این سوال را تا حدودی در پاسخ به سوال دومتان دادم، اما اجازه بدهید از زاویه دیگری جنبش زنان را مورد بررسی قرار دهیم. قبلاً هم گفتیم که رژیم از ابتدا سیاست اسلامیش را بر ضدیت با حقوق زنان بنا نهاد، بر این اساس به عقیده من هر گونه حرکت اعتراضی و سرپیچی از قوانین موجود، از سوی زنان فی نفسه رادیکال، سیاسی و در مقابله با اساس جمهوری اسلامی است. که حتی خود رژیم هم به آن اقرار میکند. رژیم علیرغم بیش از ۲ دهه فشار و اختناق توانست حجاب

« تونل فرار... »

اکنون با یک نگاه ساده به کردستان عراق میشود تمام قواره کربیه آن را دید. زعمای قوم در کرکوک دارند ترجمه مادی این طرح را اجرا میکنند. جنگ طوایف، کرد و ترکمن و عرب کردن مردم و آنها را به جان هم انداختن، ترور و ارباب و نا امنی و هزاران مصائب دیگر که کرکوک به تلخی شاهد آن است. بروید و به صف طولیل تراکتورها و ماشین های عازم از روستاهای اطراف کرکوک به طرف مناطق مرکزی عراق نگاه کنید. همین دو سه روز پیش ۴۵۰ خانوار عرب زبان، ناچار به ترک آلودگیهای خود شدند. فشار و اخاذی روزانه احزاب ناسیونالیست کرد را نگاه کنید تا به خوبی بتوانید مصداق زمینی فدرالیسم قومی را مشاهده کنید. مردم ایران و کردستان، سیاسی تر و متمدنتر از آن هستند که

اجازه دهند این تجربه نفرت انگیز تکرار شود. مردم کردستان همراه مردم ایران با هیچ ترفندی خانه نشین نمی شوند. میخواهند با تمام توان رژیم اسلامی را سرنگون کنند، دارند انقلاب مهمی را تدارک مبینند، وحشت از این حرکت است که منشا هم آوازی و تلاش مذبوحانه کل جماعت آویزان به تخته پاره فدرالیسم میشود...

مردم کردستان باید دور رهبر واقعی تمایلات انسانی خود، برای سرنگونی رژیم اسلامی و رسیدن به سعادت و آزادی، وسیعتر و متحدتر حلقه بزنند. حزب کمونیست کارگری ابزار تحقق این حرکت بزرگ تاریخی است. با تشدید مبارزه علیه نظام اسلامی، دامنه وحشت و هراس در جبهه ضد انسانی فدرالیست چپها گسترش می یابد.

۶ نوامبر ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به فعالین و دوستان حزب کمونیست کارگری ایران در کنگره ۴ حزب فعالانه دخالت کنید!

رفقای عزیز، فعالین و دوستان
حزب کمونیست کارگری در ایران

اطلاع دارید که کنگره ۴ حزب در ماه دسامبر (آذر ماه) و علنی برگزار میشود. این کنگره در شرایط سیاسی امروز نمایی از قدرت طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در ایران است. هم اکنون جنبش برای سرنگونی رژیم اسلامی هر روز قویتر و رادیکال تر و با پرچم چپ در حرکت است. کمونیسم کارگری در همه مبارزات و در همه عرصه های این نبرد حضور فعالی داشته است و حزب تنها امید زنده نگاه داشتن و برافراشته نگاه داشتن پرچم آزادی خواهی و برابری طلبی است. نقش شما در این کارزار هر روز بیش از پیش خود را نمایان کرده است و عامل مهمی در چفت کردن حزب و جنبش کمونیسم کارگری با این مبارزات و جامعه است. علیرغم همه محدودیت هایی که بدلائل امنیتی حضور شما را محدود میکند، اما کنگره میتواند و باید پیام و نظرات شما را بشنود.

همه میدانید که به دلیل امنیتی، انتخابات برای تعیین نماینده جهت شرکت در کنگره در تشکیلات داخل کشور حزب انجام نگرفت و از همین رو تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای حزب که میبایست در این کنگره شرکت داشته باشند در کنگره چهارم حضور ندارند. اما دخالت شما در کنگره به اشکال دیگری ممکن است. ما وظیفه خود میدانیم که فضای بیشتری برای دخالت شما در کنگره حزب فراهم کنیم. بنابراین از شما میخواهیم بحثها، نظرات، راه حل ها و پیشنهادات خود را در اختیار کنگره بگذارید.

رفقای عزیز! رهبران و فعالین مبارزات کارگران، زنان مبارز و برابری طلب، معلمان کمونیست، رهبران و فعالین کمونیست در دانشگاهها و همه کمونیستهایی که برای رهایی و برابری و سوسیالیسم نبرد میکنند، شما را فرامیخوانیم که با ارسال پیام و ابراز نظرات و توقعات خود کنگره ۴ حزب را هر چه قدرتمندتر و پر بارتر کنید.

برای ما بنویسید که انتظار و توقع شما از این مجمع بزرگ که به امر سیاست گذاری برای آینده حزب میپردازد چیست. قرار گرفتن در راس جنبش برای سرنگونی رژیم و رهبری انقلاب امر ماست. چه پیامی برای کنگره در شرایط خطیر سیاسی امروز دارید؟

فکر میکنید که کنگره به کدام مسایل مهمی که در برابر مبارزه امروز کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان و همه مردم مبارز قرار دارد باید پاسخ بدهد؟
نامه های خود را بهر طریق ممکن و از هم اکنون و تحت عنوان - برای کنگره ۴ - به ما برسانید.

نامه و پیامهای دریافتی شما در رسانه های حزب منتشر خواهد شد و در اختیار کنگره قرار خواهد گرفت.

اسد گلچینی

از طرف
کمیته تشکیلات کل کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

۱ آبان ۱۳۸۲

۲۳ اکتبر ۲۰۰۳

◀ مصاحبه ایسکرا با آزاده راشد

را که سنگ بنای آن بود، به زنان و دختران مدرن و ترقی خواه بقبولاند. محدودیت درانتخاب پوشش و آرایش را هرگز نتوانست بطور کامل به جوانان تحمیل کند. هر سانتیمتر عقب رفتن روسری و کوتاه شدن مانتو و مد لباس و حتی آرایش موی جوانان پسر معنی سیاسی دارد. هر بی توجهی و دهن کجی به محدودیتهای موجود از سوی زنان و جوانان پشت رژیم را به لرزه در میآورد، این پشت پا زدنها آنقدر روتین و روزمره شده که رژیم را هر روز به یک عقب نشینی تازه واداشته. بنابراین جنبش زنان را از هر زاویه که نگاه کنیم رادیکال است، چه از جنبه اعتراضی و مبارزاتی میلیونی آن به بهانه های مختلف، چه از لحاظ روش زندگی و پوشش و روابط و مناسبات انسانی و آزاد دور از چشم مزدوران رژیم و بطور کلی انتخاب مرادات مدرن و متمدانه به مقابله با آپارتاید جنسی برخاسته اند، تا حدی که دستگاه عریض و طویل بگیرو ببند رژیم را مستأصل کرده اند. این جنبش اعتراضی هم اکنون به خیابانها کشیده شده و در واقع به یک پای اصلی جنبش سرنگونی خواهی تبدیل شده است. همانطور که قبلا هم اشاره کردم، جنبش زنان ناشی از حرکتهای اعتراضی صنفی و یا اصلاح طلبانه نیست. ماهیتا رادیکال و عمومی و سراسری است، همیشه پرشور و حی و حاضر در میدان بوده و خود را نشان داده است. به همین دلیل میتوان آن را یکی از مؤثرترین و قویترین پایه های جنبش سرنگونی خواهی دانست. اما چیزی که پیروزی این جنبش را تضمین میکند رهبری آن است که این رادیکالیسم و آزادیخواهی زنان را نمایندگی کند که فکر میکنم داریم به آن نزدیک میشویم.

ایسکرا: قطعنامه همایش "خشونت علیه زنان" در سنجند مطالباتی را مطرح میکند، آیا این مطالبات از رژیم اسلامی است؟ فکر میکنید عکس العمل رژیم به آن چیست؟ برای تحقق این خواستها چه راههای عملی و واقعی وجود دارد؟

آزاده راشد: در مورد بخش اول سولاتان جواب من، هم بلی است هم خیر! اولاً این خواستها از آن جهت خطاب به جمهوری اسلامی است که رژیم را هر چه بیشتر تحت فشار و در تنگنای سیاسی قرار می دهد و قدم به قدم آن را به عقب رانده و از آن امتیاز

میگیرد. چنین فشارهایی از داخل و خارج همواره رژیم را در بسیاری از اصول بنیادیش به عقب نشینی واداشته است. از جمله عقب نشینی از اجرای سنگسار، عقب نشینی در سختگیریهای وحشیانه دوران پیشینش و...
جنبه دیگر پاسخ من از آن جهت منفی است که من فکر میکنم بند بند این قطعنامه بر تغییر قوانین ضد انسانی موجود، محکوم کردن آپارتاید جنسی، برچیده شدن عوامل رسمی و غیر رسمی خشونت علیه زنان و کودکان و غیره تاکید دارد که در اساس با رژیم و قوانین شرعی و اسلامی در تناقض است. این تناقض جواب بدهد، بنا بر این به نظر من جنبش زنان نباید هیچ توهمی به اصلاح پذیر بودن رژیم اسلامی و رفع کامل مشکلاتشان در چارچوب قوانین شرعی و اسلامی حاکم داشته باشند. و گفتم که اینها ابزارهایی است برای اعمال فشار به رژیم. عکس العمل رژیم هم طبق معمول جز مرعوب شدن از مبارزه مردم و تلاش برای ساکت کردن آنان نیست.

از جنبه دیگر چنین مطالباتی در انتظار انسانهای آزادیخواه در داخل و خارج از ایران قرار میگیرد تا با این جنبش معترض و رادیکال همراه شوند. همچنین این مطالبات پیش روی کلیه زنان آزادیخواه و مترقی ای قرار میگیرد که تشنه آزادی و رهایی اند و بدینوسیله میتوانند نمایندگان و سخنگویان و رهبران واقعی جنبش خود را بشناسند. چرا که امروز زنان اساساً بدور خواستهای رادیکال و بی اما و اگر جمع میشوند و راه تأمین آزادی و رهایی خود را در برچیده شدن قوانین پوسیده حاکم جستجو میکنند. به عقیده من تنها راه رسیدن به این خواستها، مبارزه همه جانبه برای سرنگونی و تغییر کامل رژیم است و باید جنبش زنان بعنوان یکی از بخشهای اصلی جنبش سرنگونی خواهی به این سمت رهبری و سازماندهی شود.

ایسکرا: برای زنان در کردستان چه پیامی دارید؟

آزاده راشد: قبلاً اشاره کردم که زنان در کردستان علاوه بر بی حقوقی و تحمیل قوانین عقب مانده اسلامی، از سوی فرهنگ به شدت مردسالار و سنتی و ناسیونالیستی کرد، فشار مضاعفی را تحمل میکنند. در کردستان با وجود سنت مبارزاتی ضد رژیمی،

ناسیونالیسم که همراه با مذهب و قوانین حاکمه، مردسالاری را هر چه بیشتر پرو بال داده، زن را در قالب "زن کرد" با لباسهای زوق و فرهنگ کردی و نقش سنتی اش در خانواده و جامعه تصویر میکند. اما در مقابل ما همواره زنانی را میبینیم که چه در خانه و چه در جامعه مخالفت خود را به طرق مختلف با فرهنگ مردسالار، اسلامی و سنتی نشان داده اند. من از زنان و دختران جوان و مدرن و متمدن میخواهم که حرکتهای رادیکال را پشتیبانی و تقویت کنند، به این حرکتها بپیوندند و خود از رهبران و سازماندهندگان رادیکال جنبش مبارزه برای آزادی زن شوند. □

کمک مالی به کمیته کردستان سوئد

- سعید سپیدی ۱۰۰۰ کرون
 - ماشالله ۵۰۰ کرون
 - نصرت سلیمی ۵۰۰ کرون
 - بهمن و نسرين ۵۰۰ کرون
 - رسول بناوند ۶۰۰ کرون
 - حصیبه و سردار ۵۰۰ کرون
 - نسرين سلیمانی ۱۵۰ کرون
 - فاطمه و محمد خضری ۱۰۰۰ کرون
 - کریم شاه محمدی ۵۰۰ کرون
 - نسرين و محمود خاخری ۲۰۰ کرون
 - مصطفی و آرزو محمدی ۳۰۰ کرون
 - جمال پیرخضران ۲۰۰ کرون
 - شاهو پیرخضران ۲۰۰ کرون
 - توفیق پیرخضران ۵۰۰ کرون
 - کیوان کتابی ۲۰۰ کرون
 - شمس الدین حکیمی ۳۰۰ کرون
 - محمد فضلی ۵۰۰ کرون
 - سیف الدین حیدری ۳۰۰ کرون
 - جمع آوری شده توسط کمیته یوتوبوری ۲۰۶۰ کرون
- نوروز**
- محمد علی یمینان ۲۰۰ کرون
 - غفار غلام ویسی ۵۰۰ کرون
 - جبار پیرکه ۵۰۰ کرون
 - بیان پیرکه ۴۰۰ کرون
 - کمال اوپهنگ ۵۰۰ کرون
 - ریبوار ۵۰۰ کرون
 - کمیته حزب در نوروز ۴۰۰ کرون
- انگلستان**
- محمد جعفری ۳۵ پوند
 - محمود سلیمی ۴۰ پوند
 - حسین مرادبیگی ۴۰ پوند
 - جواد اصلانی ۴۰ پوند